

حادثه در قاب



میزان/ بهزاد نواختی مقدم معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان اردبیل در گفت و گو با میزان اظهار کرد: ساعت ۱۱:۳۵ دبروز، یک دستگاه تریلی دنگ فنگ، اپریدورانا در کیلومتر ۳۰ جاده کوثر - سرچم (داخل تونل ۲) بایکدیگر برخورد کردند که مناسفانه این حادثه منجر به فوت پنج نفر و مصدومیت دو نفر شد.

کوتاه از حوادث

***میزان/** سرهنگ عزیز خانی رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران از دستگیری کلاهبرداری خبر داد که با فروش خودروهای اجاره ۵ میلیاردیال از مال باختگان کلاهبرداری کرده بود.

***صد اوسیمبا/** سردار ظهیری رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت:تلاش برای جلوگیری ازخودسوزی متشاکي، مامور جان بر کف کلانتری قلهک، ستوان دوم پرویز کر مپور ادرچار سوختگی شدید ۶۰ درصد از نوع درجه ۳ از ناحیه صورت، سینه، دست و... کرد که در آی سی یو بیمارستان بستری است.

*** پلیس/** سردار شیرزاد رئیس پلیس بین الملل ناجا، از دستگیری واسترداد متهمی با ۲۰ شاکی به اتهام صدور چک بلامحل به مبلغ ۳۰ میلیاردیال به کشور خبر داد.

***ایستنا/**سردار عزیزی فرمانده انتظامی شرق استان تهران از کشف ۲۲۶ کیلوگرم مواد مخدر صنعتی شیشه در شهرستان پاکدشت خبر داد.

***مهر/** قربانلور رئیس اداره محیط زیست شاهرود بایبان این که ماموران پایش محیط زیست در حوالی میامی اسکلت یک انسان را یافته اند، افزود: این جنازه در میان سنگ ها مخفی شده بود. به احتمال زیاد چندین سال است که این فرد کشته شده و تشخیص دقیق آن توسط پزشکی قانونی اعلام می شود.

***باشگاه خبرنگاران جوان/** سرهنگ ایوب شرافتی جانشین رئیس پلیس راه ناجا از جان باختن سه نفر بر اثر واژگونی یک دستگاه پژو ۴۰۵ در کیلومتر ۲۵ محور خرم آباد - پلدختر استان لرستان طی یک شبیه گذشته خبر داد.

معادن فروشی

فوری به علت مسافرت

۰۹۱۵۳۶۴۶۹۵-۰۹۳۵۶۳۱۰۶۱۱۸-۰۹۱۵۳۱۰۶۱۱۸

فیش حج خریداریم

هر چه خدا بخواهد همان می شود

خرید - فروش - نمتع - عمره

۶۹ - ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵

مجمع فرهنگی بنی فاطمه (س)

از اول محرم به مدت ۵روز مورخ ۶/۱ لغات ۶/۵ صبح ها

باسخترانی حجه الاسلام سوری

وسداحان اهل بیت

آقایان سروری و یقوی

مراسمی تاروز عشا شورا

از ساعت ۶صبح بر گزار می نماید.

مقدمان گرامی

خیابان احمدآباد ابوذر غفاری ۳

تلفن راهنما: ۰۹۱۵۵۱۱۳۶۶۹

سجاد پور - هنگام فرار از چنگ

ماموران کلانتری طبرسی شمالی مشهد، جنجالی وحشت آفرین به راه انداخت. اوسوار بر خودروی پژو سرفتی چنان بی مهابا پدال گاز را می فشرد که اندنگان عبوری از ترس به این طرف و آن طرف خیابان می گریختند. او چند بار دیگر نیز با همین شیوه از دست ماموران فرار کرده بود اما این بار در محصه بدی قرار داشت. نیروهای موتورسوار و گشت های خودرویی پلیس رهایش نمی کردند. شلیک های هوایی نتیجه ای نداشت و سارق معروف به «ریش» به داخل کوچه پس کوچه ها زده بود. او به کودکان هم رخم نمی کرد که در کوچه و خیابان در حال بازی بودند. گلوله های پلیس یکی پس از دیگری به بدنه خودروی پژو اصابت می کرد ولی او همچنان با سرعت سرسام آور خود به فرار ش ادامه می داد تا این که بالاخره بعد از تصادف بایک سمند پارک شده، با پای پیاده گریخت و در نهایت توسط افسر تجسس کلانتری طبرسی شمالی به دام افتاد. آن چه می خوانید گفت وگویی خبرنگار خراسان با این سارق حرفه ای است که قاضی امیری (قاضی باتجر به شعبه ۴۱۰ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) رسیدگی به پرونده او را به عهده دارد.

نامت چیست؟ «علی - ع» هستم و ۳۰ سال دارم.

میزان تحصیلات؟ دوم راهنمایی

اهل مشهدی؟ بله!

چند خواهر و برادر داری؟ سه خواهر دارم و تک پسر هستم.

بعد از ترک تحصیل چه می کردی؟ در تعویض روغنی مشغول کار شدم تا حرفه ای بیاموزم!

پس چرا به سرقت روی آوردی؟ از اول سارق نبودم. خلاقاری من با فروش مواد مخدر آغاز شد. وقتی پدرم در سال ۸۳ فوت

توکلی/ فرمانده انتظامی استان کرمان از

دستگیری باند بزرگ سرقت اطلاعات اینترنتی، توسط پلیس فتای این فرماندهی خبر داد. به گزارش خراسان، سردار ناظری در این باره گفت: به دنبال ارجاع تعداد زیادی پرونده مبنی بر این که مال باختگان از طریق دریافت پیامکی جعلی مبنی بر این که «آگهی

گفت وگوبا دزد وحشت آفرینی که باشلیک ۱۲ گلوله دستگیر شد

کرد مادر می نیز در هتل ها و مسافر خانه ها مشغول به کار شد. در همین روز هایکی از نزدیکان پدرم به سر اغم آمد که برایش کریستال بفروشم! او می گفت: شاگردی در تعویض روغنی در آمدی ندار دو با این پول ها به جایی نمی رسی! او آن قدر وسوسه ام کرد که قبول کردم برایش کریستال بفروشم.

اولین بار به خاطر مواد دستگیر شدی؟ بله! اولی به خاطر این که سابقه دار نبودم دادگاه مرا چهار میلیون تومان جریمه کرد.

فکر می کنی تیره روزی هایت از چه زمانی شروع شد؟ از وقتی که در سال ۸۹ مادم فوت کرد. در شب اول مرگ مادر، دوستانم مرا دوره کردند

که برای کاهش غم هایم به همراه آن ها مواد مخدر مصرف کنم! اگر چه قبل از آن موادمی فروختم ولی هیچ وقت استفاده نکرده بودم اما از همان شب بدبختی های من شروع شد و بعد از آن هم برای خودم ساقی شدم و به فروش مواد مخدر روی آوردم.

می گویند حدود ۱۰ سال محکومیت داشتی؟ بله! اولین آن چهار سال و نیم زندان بود که در سال ۹۳ به خاطر فروش مواد مخدر صنعتی حکم گرفتیم ولی وقتی دو سال بعد به مرخصی آمدم سرقت را هم شروع کردم و

بعد از دستگیری چهار سال و نیم دیگر حبس گرفتم!

شیوه های سرقت را کجا یاد گرفتی؟ زمانی که در تعویض روغنی کار می کردم در

کنار ما قفل سازی بود. آن جامی دیدم که

چگونه در خودروها را به راحتی باز می کنند. من هم از همان زمان باز کردن در خودروها

رایاد گرفتم.

چرا به سرقت ادامه دادی؟ خب پول مفت بود! ضمن این که هر بار سوار یک خودرو

می شدم و در پاتوق های خلاقاران جولان می دادم و احساس غرور و

لذت داشتم.

با دختری که همراهت بود چگونه آشنا شدی؟

در یکی از همین پاتوق ها با او آشنا شدم! او تبعه خارجی بود و مدتی قبل از همسرش طلاق



سارق معروف به ریش



علامت چهارراه روی لباس سارق دیگری که باشلیک گلوله دستگیر شده است

گرفته بود.

چرا از دواج نکردی؟ فرصتی برای از دواج نداشتم. از روزی که خودم را شناختم و به سن جوانی رسیدم روانه زندان شدم. هر بار هم که فرار می کردم، تحت تعقیب بودم به همین دلیل با آن دختر رابطه داشتم و در سرقت ها

نیز او را با خودم می بردم تا مورد ظن پلیس قرار نگیرم!

چرا به «ریش» معروف هستی؟ به خاطر این که از همان دوران ابتدای جوانی ریش گذاشتم و دوستانم «ریش» صدا می می زدند!

کلاهبرداری اینترنتی از ۱۲۰۰ نفر

سرت اطلاعات بانکی آنان، از حساب شان مبالغی به صورت غیر مجاز برداشت شده است. افسران پلیس فتا هفت نفر از اعضای این باند حرفه ای را که سر باند آن هادر این زمینه سابقه دار بود، شناسایی کردند و به دام انداختند.

مرگ را به چشم دیدم!

علامت چهارراه روی پیراهن ات معنی خاصی دارد؟ نه! نمی دانم! این لباس سیاه را در خانه داشتم.

چرا برای فرار از چنگ ماموران وحشت ایجاد می کردی؟

نمی خواستم دوباره دستگیر شوم و به مدت زندانی ام افزوده شود. فکر می کردم این گونه ماموران مرا راه می کنند.

از تیراندازی ها نمی ترسیدی؟ یکی از گلوله ها کمانه کرد و روی دستم را خراشید، آن لحظه مرگ را به چشم دیدم! فهمیدم کارم تمام است اما باز هم پدال گاز را می فشردم چون ترسیده بودم!

خالکوبی های زیادی روی بدنت داری چرا؟ این هم یکی از شیوه های خودنمایی است.

شعری را که خالکوبی کرده ای می خوانی؟ دانی که چرا سر نهان با تو نگویم / طوطی صفتی طاقت اسرار نداری!

پشیمانی؟ خیلی! اگر پدر و مادر بالای سرم بود شاید به خلاف کشیده نمی شدم دیگران از من سوء استفاده نمی کردند. ولی به جوان

ها بگویند این راهی که من رقم به تر کستان است. شما در س بگیرید که عاقبت ندار د! روزی که برای اولین بار می خواهید موادر

تجربه کنید، به یاد سرنوشت من بیفتید من هم از موادر به این جارسیدم.

شایان ذکر است، چندی قبل ماموران تجسس کلانتری شفای مشهد نیز سارقی را باشلیک گلوله مجروح کردند که همین علامت چهارراه را روی پیراهن سیاهش دوخته بود!

متهمان با استفاده از ۸۳ سیم کارت و

حساب های متعددی که برای جلوگیری از شناسایی اجازه کرده بودند، اطلاعات بانکی هزار و ۲۶۵ فقره شماره کارت بانکی را از سراسر کشور به دست آورده و اقدام به برداشت بیش از ۱۰ میلیاردیال به صورت غیر مجاز کرده اند.

حوادث

۹

در امتداد تاریکی

پایان خوش گذرانی در لانه مجردی!

تقریبا همه اعضای خانواده ام در ماجرای انتقال گوشی های سرفتی به افغانستان دستگیر شده اند اما من عامل اصلی این خلاقاری ها بودم که با ترغیب یکی از دوستانم وار دین باند شدم و... این هایخشی از اظهارات جوان ۲۴ ساله ای است که با تلاش شبانه روزی کار آگاهان اداره عملیات ویژه پلیس آگاهی خراسان رضوی به اتهام تغییر سریال گوشی های سرفتی دستگیر شد. این متهم که پدر، خواهر و برادرش نیز از اعضای این باند گسترده هستند، پس از پاسخ به سوالات سرگرد همتی (افسر پرونده) در باره سرگذشت خود گفت: پدرم در نانوائی کار می کند و من هم بعد از آن که در دانشگاه های دولتی پذیرفته نشدم، به ناچار در یکی از دانشگاه های غیرانتفاعی بدون آزمون ثبت نام و در رشته مدیریت تحصیل کردم اما به خاطر علاقه ای که به تعمیر تلفن همراه داشتم، به طور خودآموز وارد سایت های اینترنتی شدم و خیلی از فوت و فن های گوشی ها را آموختم. در این میان، دوستان دیگری داشتم که در رشته مهندسی نرم افزار رایانه تحصیل کرده بودند و زمانی که در تعمیر گوشی ناتوان بودم، از وجود آن ها استفاده می کردم ولی هیچ وقت اسرار کار خودم را برای دیگران فاش نمی کردم تا این که از حدود دو سال قبل، وقتی دیدم بسیاری از دوستانم خودروهای آن چنانی سوار می شوند، بسیار کنجگاو شدم تا به راز آن هابی بیرم. وقتی فهمیدم آن ها از طریق خرید و فروش و تغییر سریال گوشی هایال و کوبالی برای خود به هم زده اند، من هم با تشویق یکی از آن ها وارد این ماجرا شدم. حتی یک بار هنگام فروش گوشی سرفتی در جمعه بازار توسط پلیس دستگیر شدم اما وقتی آن ها با استعالم سریال گوشی مرا آزاد کردند، تازه فهمیدم که خیلی راحت ر جیستری رادرو زده ام، به همین دلیل هم به خلاقاری هایم ادامه دادم. در همین زمان بود که برای فرار از سرقت ها و مزاحمت های برادرم، منزل مجردی را در خیابان ایثار گران اجاره کردم و بیشتر در مر داب خلاقاری ر فرو رفتم. دیگر آزادانه با سارقان و مالخران رابطه داشتم و با تغییر سریال گوشی ها و فروش آن ها به اتباع خارجی، به پول های خوبی رسیدم. این گونه بود که خوش گذرانی هایم شروع شد و به مصرف مشروبات الکلی و ارتباط با دختران و زنان غریبه روی آوردم! برخی از گوشی ها را به اعضای خانواده ام می دادم و از خواهرم برای واریز و جوبول های فروش گوشی به حساب بانکی او استفاده می کردم! روزگرم به خوش گذرانی و تفریح گر خور ده بود، به طوری که با همدستی دیگر اعضای باند در آمد خوبی از طریق تغییر سریال گوشی ها داشتم اما طو لی کشید که پلیس آگاهی به سر اغم آمد و تازه فهمیدم همه اعضای این باند که با هم مرتبط بودیم، به دام افتاده اند و... حالا هم از کارم پشیمانم اما دیگر این پشیمانی سودی ندارد و باید روزهای جوانی ام را پشت میله های زندان بگذرانم.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس آگاهی خراسان رضوی



بانک رفاه کارگران

طرح های تسهیلاتی بانک رفاه کارگران

